مدیترانه:
سرزمین، دریا، تاریخ

نوشتهٔ فرنان برودل

مدیترانه چیست؟ در نگاه اول هزار چیز نه تنها یک چشم‌انداز بلکه چشم‌اندازهای بیشمار نه یک دریا، بلکه ردیفی از دریاها. نه یک تمدن بلکه مجموعه‌ای از تمدنهاست، که یکی روی دیگری سایه افکنده است. گشت و گذار در حوزهٔ مدیترانه مترادف یافتن دنیای رومی در لبنان، عصر پیش از تاریخ در سارونی، شهرهای یونان در سیسیل، حضور اعراب در اسپانیا و اسلام ترکیه‌ای در یوگسلاوی است ، دستیابی به گذشته‌های تاریخی دور، به بناهای سنگی عظیم مالت و اهرام مصر است. رویارویی با اشیاء باستانی است که در کنار اشیاء فوق مدرن به حیات خود ادامه می‌دهند: در کنار بی‌تحرکی خدعه‌آمیز و نیز صنایع سنگین مستر (Mestre) حضور دارند؛ در کنار قایق ماهیگیران، که نظیر کشتی‌یی است که اولیس با آن سفر می‌کرد، نفت‌کشهای عظیم و کشتیهای ماهیگیری که دل دریا را می‌شکافند به چشم می‌خورند. با همین نگاه اول می‌توان در کهنگی جوامع محدود غوطه‌ور شد، و در همان حال از تازگی بیش از حد شهرهای بسیار کهنه که در معرض تمامی بادهای فرهنگ و سودجویی، قرار دارند و طی قرنها به دریا نگریسته‌اند و قوت خود را از منابع آن تأمین کرده‌اند حیرت کرد.

همهٔ اینها فقط یک دلیل دارد و آن اینکه مدیترانه چهارراه بسیار کهنه‌ای است که هزاران سال است، هر چیز و هرکس در آن نقطه به هم رسیده‌اند ــ انسان، حیوانات بارکش، وسایل حمل و نقل، مال‌التجاره‌ها کشتی‌ها، فکرها، مذاهب و کسب و کار. و حتی گیاهان به استثنای درخت زیتون، انگور و گندم ــ که از زمانهای دور در این منطقه کشت می‌شد ــ تقریباً تمام گیاهانی که فکر می‌کنیم منشأ آنها در حوزهٔ مدیترانه است، از سرزمینهای دوردست به آن مناطق آورده شده است. اگر هرودوت، پدر تاریخ، که پانصد سال پیش از میلاد مسیح زندگی می‌کرد، امروز زنده می‌شد و به توریستهایی که امروزه از منطقه بازدید می‌کنند می‌پیوست، با مسائل حیرت‌انگیزی روبرو می‌شد. لوسین فوبر، مورخ فرانسوی، می‌نویسد «می‌توانم او را در نظر مجسم کنم که به مناطقی از مدیترانه شرقی که می‌شناخت سر می‌زند. چقدر همه چیز حیرت‌انگیز است! او به یاد نمی‌آورد که هرگز این میوه‌های طلایی آویخته از درختان سبز تیره ــ درخت نارنج، درخت پرتغال، درخت نارنگی ــ را دیده باشد. علت این است که این درختان به وسیلهٔ اعراب از شرق دور به مدیترانه آورده شد. هرودوت هرگز این گیاهان تیغدار غریب را با شکلهای عجیبی که دارند و

«چهارراه مدیترانه‌ای، ترکیب چهل تکهٔ مدیترانه، در آرایش فیزیکی و انسانی خود تصویری منسجم را، به منزلهٔ نظامی که در آن همه چیز به هم می‌آمیزد و سپس در وحدتی تازه و اصیل شکل می‌گیرد، بر ذهن باقی می‌گذارد» در زیر پرورش انگور بر زمینی سنگی در جنوب فرانسه دیده می‌شود.

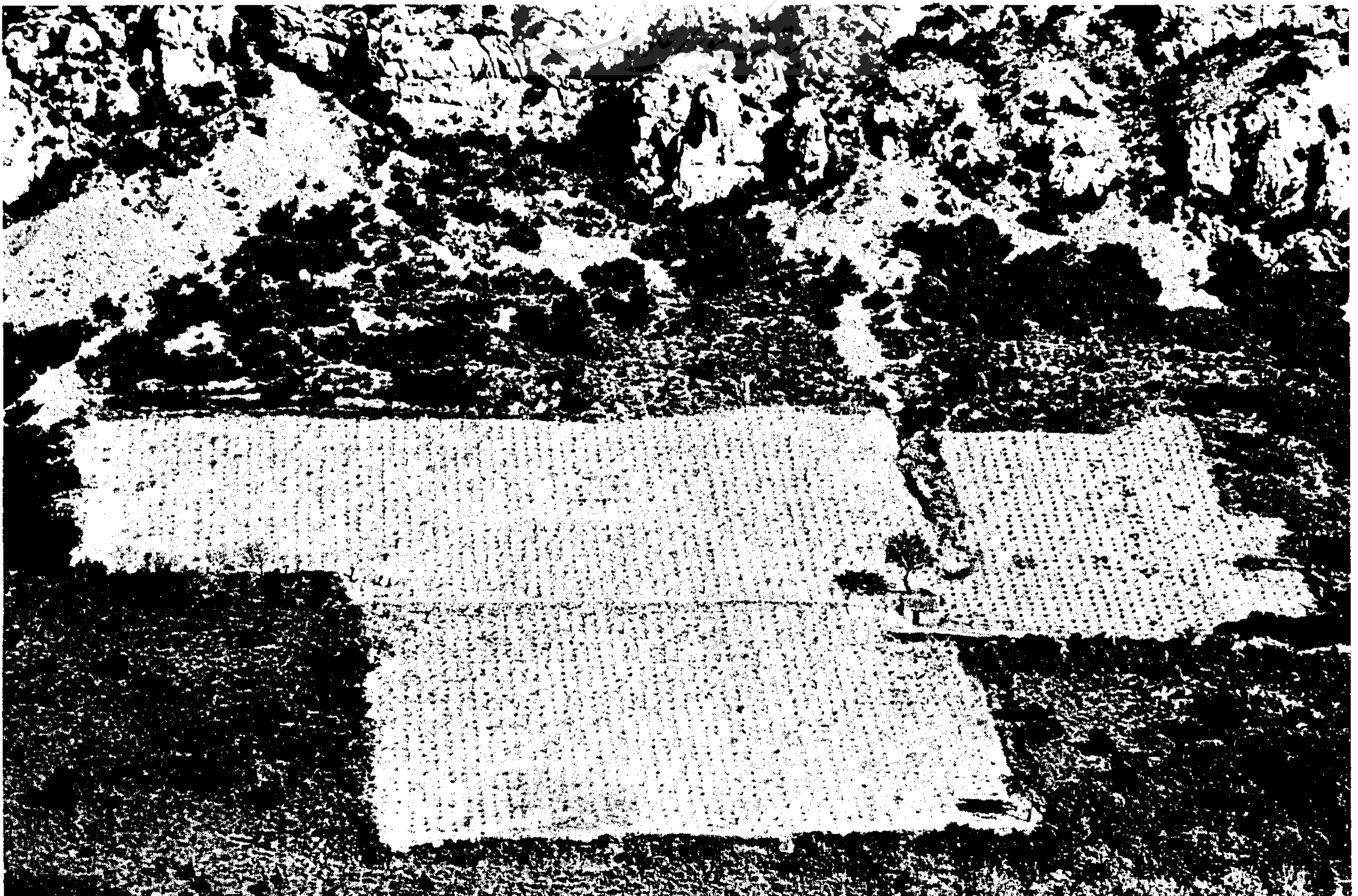


Photo © Marc Garanger, Paris



Photo Erich Lessing © Magnum, Paris

«علت چین و شکنهای مدیترانه، برای همردیفی ستیغ کوهها و ژرفای دریاها، ساختار بی‌سکون و همچنان در تغییر زمین شناختی آن است، که تاثیرات آن علیرغم گذشت زمان، همچنان پابرجاست.» در بالا تصویری از استرومبولی، یکی از جزایر ائولی، در شمال سیسیل واقع بر دریای مدیترانه. نام این جزایر از ائولوس، خدایای بادها، گرفته شده که طبق احادیث باستانی مأوای او بوده است. آتش‌فشانی که این جزیره را پدید آورده است، با تاجی از دود برسر، همواره فعال است.

باید پارویی خوشتراش برگیری و پارو بزنی تا به مردمی برسی که از دریا هیچ نمی‌دانند و هرگز به غذایشان نمک نمی‌زنند، به طوری که کرجیهای لاکی‌رنگ ما و پاروهای بلندی که چون بال کرجیها هستند، از حدود ادراک آنها فراتر است.

هومر

(قرن نهم قبل از میلاد)

گلهای ساقه‌دار دارای اسامی بیگانه نظیر کاکتوس، عود، گلابی خاردار و غیره را به چشم ندیده بود. چرا، چون آنها از قارهٔ امریکا آورده شده‌اند! و او هرگز این درختان بلند برگ روشن را، که هنوز نامی یونانی دارند، «اوکالیپتوس»، در عمر خود ندیده بود. چرا، چون این درخت از استرالیا آورده شد! و سرو، که نظیر سایر درختها، هرگز به چشم ندیده بود، از ایران آورده شد. پس چه بسیار تنوع برای صحنه‌آرایی. در عین حال، ساده‌ترین مواد غذایی هم بیشترین تعجب را در او برمی‌انگیزاند ــ گوجه‌فرنگی از پرو، بادنجان از هند، فلفل از گینه، ذرت از مکزیک، برنج هدیهٔ اعراب، و لازم به تذکر نیست که لوبیا، سیب‌زمینی، درخت هلو، اغذیهٔ بومی کوهستانهای چین که بعدها ایرانی شدند و تنباکو از آن جمله‌اند». با این حال همهٔ این چیزها اینک جزئی از چشم‌انداز مدیترانه‌اند. «امروز تصور ریویرا بدون نارنجزارها، توسکانی بدون سروها یا بساط سبزی‌فروشها بدون فلفل غیرممکن است.»

و اگر قرار بود فهرستی از مردم و نژاد ساکنان مدیترانه فراهم آوریم ــ چه آنهایی که در کناره‌های آن به دنیا آمدند، فرزندان مردمی که، در سالیان دور، از آبهای آن گذشتند یا در خاک آن به کشت و زرع پرداختند و زمینها را صاف کردند و چه تمام افرادی که به تازگی مهاجرت کردند و به نوبهٔ خود آن اراضی را تحت اشغال درآوردند ــ آیا به همان تصوری دست نمی‌یابیم که بعد از فهرست کردن اسامی گیاهان و میوه‌ها رسیدیم؟

چهارراههای مدیترانه، ترکیب چهل تکهٔ مدیترانه، در آرایش فیزیکی و انسانی خود تصوری منسجم را، به منزلهٔ نظامی که در آن هر چیزی به هم می‌آمیزد و سپس در وحدتی تازه و اصیل شکل می‌گیرد، بر ذهن باقی می‌گذارد. این یکتائی غیرقابل تکذیب، این عصارهٔ شگفت‌انگیز مدیترانه را، چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ برای این کار به چند شیوهٔ برخورد نیاز است. این تفسیر صرفاً نه در طبیعت، که نقش مبهمی ایفا کرده است و نه فقط در انسان، که سرسختانه تمام عوامل را با هم تلفیق کرده، ریشه‌ای ندارد؛ بلکه در برکتهای طبیعت و بی‌وفائیهای آن، که متساویاً بسیارند، و ◄

▶ در کارهای متنوع انسان، چه در گذشته و حال، نهفته است؛ به بیان دیگر، در توالی پایان‌ناپذیر تصادفات، حوادث و موفقیتهای مکرر، ریشه گرفته است. (...)

بر نقشهٔ جهان، مدیترانه چیزی جز برشی در پوستهٔ زمین نیست. دوک باریکی که از جبل‌الطارق تا کانال سوئز و دریای سرخ ادامه دارد. شکستها، بریدگی‌ها، فرورفتگی‌ها و چین‌خوردگیهای پدید آمده در دوران سوم زمین‌شناسی، حوضچه‌های بسیار عمیقی، و همتای عمق آن حوضچه‌ها، سلسله‌های پایان ناپذیری از کوههای جوان و بلند با پستی و بلندیهای زیاد پدید آورد. در حوالی دماغهٔ کاتاپان منطقه‌ای به عمق ۴۶۰۰ متر وجود دارد که می‌تواند به راحتی با بلندترین نقطهٔ یونان، که کوه اولمپ به ارتفاع ۲۹۸۵ متر است برابری کند.

این کوهها از درون دریای مدیترانه سربرآورده‌اند و گاه آن را تا حد یک باریکهٔ آب شور تنگ می‌کنند، از آن جمله در: جبل‌الطارق، در تنگهٔ بونیفاچو، در تنگهٔ مسینا با گردابهای تند اسکید و چاربدیس و در امتداد داردانل وبسفور. در این نقاط دریا چیزی نیست جز رودخانه‌هایی، یا صرفاً خلیجی کوچک.

این خلیجهای کوچک، تنگه‌ها و کوهها فضای مرطوبی فراهم می‌آورند. آنها قلمروهای مستقلی ترسیم می‌کنند: دریای سیاه، دریای اژه، دریای آدریاتیک، که مدتهای طولانی تحت مالکیت ونیزیها قرار داشت، و دریای تیرنه که بسیار بزرگتر از همه است. این‌گونه تقسیم دریا به یک رشته حوضچه در واقع مشابه تقسیم خشکی به اراضی مجزای از هم است: شبه جزیرهٔ بالکان، آسیای صغیر، ایتالیا، شبه جزیره ایبری و شمال آفریقا.

با این حال در میان این تصویر خطی وجود دارد که بدون توجه به آن غیرممکن است بتوان از تاریخ مدیترانه از دوران یونان و فنیقی‌ها تا عصر جدید تصوری به دست آورد. جغرافیا و تاریخ دست به دست هم داده‌اند و درست از وسط این دریا، جبهه‌ای از ساحلها و جزایر پدید آورده‌اند که، از شمال به جنوب، دریا را به دو جهان متخاصم بدل می‌کند. اگر این جبهه را تعقیب کنیم، از کورفو تا تنگهٔ اوترانتو، که دریای آدریاتیک را به دو نیم می‌کند، تا سیسیل و کرانه‌ای که اینک کشور تونس بر آن واقع شده، در شرق این جبهه در «شرق» هستیم و در غرب آن در «غرب» - آن هم در مفهوم کامل و کلاسیکی که این واژه‌ها به ذهن متبادر می‌کنند. جای تعجب نیست که در امتداد همین جبهه جنگهای بزرگی نظیر جنگ آکتیوم، پره‌وزا، لپانتو، مالت، زاما و جربا درگرفته باشد. (...)

علت چین و شکنهای مدیترانه، برای همردیفی ستیغ کوهها و ژرفای دریاها، ساختار بی‌سکون و همچنان در تغییر زمین شناختی آن است، که تأثیرات آن، علیرغم گذشت زمان، همچنان پابرجاست. به همین سبب است که می‌توان توضیح داد چرا در دریای مدیترانه جزیره‌ها و شبه جزیره‌های زیادی پراکنده است، و در گوشه و کنار آن خشکیهایی به چشم می‌خورد که بخشی از آنها به زیر آب فرورفته است و بخشی دیگر به صورت توده‌های خاک و سنگ از آب بیرون زده‌اند؛ به همین سبب است که کوهستانهای دندانه‌ای آن هنوز دستخوش فرسایش چشمگیری نشده‌اند؛ و به همین سبب است که زمین لرزه و آتش‌فشانی زیادی در کوههای این منطقه صورت می‌گیرد که بعد از مدتی خاموش می‌شوند یا دوباره از خواب برمی‌خیزند و فاجعه به بار می‌آورند.

مشخصات زمین‌شناسی حوزهٔ مدیترانه خود


Photo © Yvette Vincent Alleaume, Paris

«طبیعت، تاریخ و خمیر مایهٔ حیات در شمال و جنوب دریا باهم فرق دارد... در مسیر اروپا و شبه جزیره‌های آن دیواری از کوهها قد برافراشته‌اند. به سوی جنوب، با مستثنی کردن کوههای پر درخت شمال افریقا، بیابان قرار دارد، دریایی از تخته سنگها یا شن؛ و در پشت‌سر آن صحراست، گسترهٔ افریقای سیاه و ورای آن، بیابانهای آسیا...» در تصویر فوق کثرت نمک و صخره در منطقهٔ مضب در صحرای الجزایر دیده می‌شود.

به هرجا پا می‌نهم یونان بر جانم زخم می‌زند.
کوهستان پلیون در میان درختان بلوط،
پیراهن قنطورس[1] از لابلای برگها لغزید،
تا همچنانکه از دامنه بالا می‌رفتم و
دریا همچون جیوه در دماسنج، در پی من بالا می‌آمد
که باهم آبهای کوهستان را پیدا کنیم،
بر پیکر من بپیچد.
بر جزایر رقت‌بار سانتورین که در حال غرق شدن بود
صدای نی‌زنی می‌شنیدم که جایی روی سنگهای آذرین نی می‌زد،
ناگهان دستم با زوبینی به شکل پارو
که از محدودهٔ جوانی تلف شده‌ای پرتاب شده بود،
به لبهٔ دیواره کشتی میخکوب شد.

جورج سه‌فریس
(۱۹۷۱ ــ ۱۹۰۰)

۱. در اساطیر یونان نژادی از جانوران که نیمی اسب و نیمی (از کمر به بالا) انسان بودند. ــ م.

به پیش ای ماده‌بزهای کوچک، به پیش، ای گلهٔ زمانی شاد!
که دیگر من، لمیده در این درهٔ پردرخت نیمه‌سبز،
شما را که از یال پر درخت تپه‌ها بالا می‌روید،
نگاه نتوانم کرد.
آی، بزهای کوچک من، دیگر برایم آواز نخواهید خواند،
و من شما را برای چرا در جگن‌زارها و شبدرها نخواهم برد.

ویرژیل
(۷۰ قبل از میلاد ــ ۱۹ قبل از میلاد)



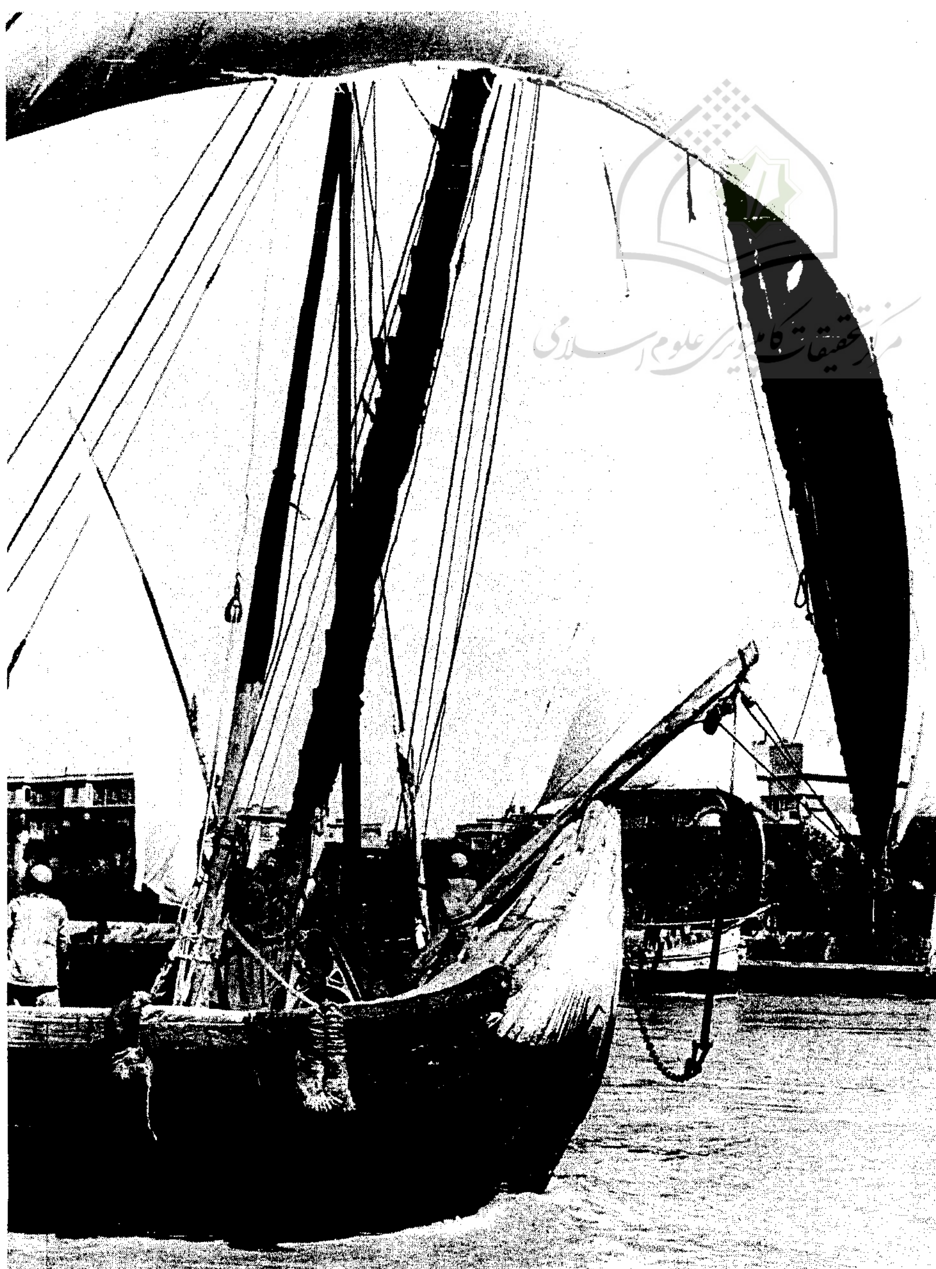
بهترین گواه وجود کوههای متعدد در این منطقه است. چه تجمعی از کوههای تازه برآمده! ــ کوهایی بلند و گوشه‌دار که در پوستهٔ فضای حاشیه‌ای مدیترانه همچون اسکلتی سنگی رخنه کرده‌اند ــ آلپ، آپنن، بالکان، تورس، جبل لبنان، اطلس، سلسله کوههای اسپانیا و سلسله کوههای پیرنه! (...)

با اینحال برخی از کرانه‌های مدیترانه کوهستانی نیستند. در شمال، از خلیج لانگدوک تا دلتای رون و خلیج پست ونیز برساحل آدریاتیک از آنجمله‌اند. ولی استثنای اصلی براین قاعده را در جنوب باید یافت ــ اراضی ساحلی غریبانه مسطح و وسیعی که فاقد هرگونه کیفیت خاصی نیز هست و از ساحل در تونس شروع می‌شود و تا دلتای نیل و از آنجا تا کوهستانهای لبنان امتداد می‌یابد. صحرا، براین کرانه‌های بی‌پایان و کوهستانی، تماس مستقیم با دریای مدیترانه دارد. اگر از بالا به این تصویر نگاهی بیندازیم، دوسطح عظیم صاف ــ بیابان و دریا ــ را خواهیم دید که پهلو به پهلوی هم داده‌اند؛ رنگهاشان در هم تداخل کرده است، یکی از آبی تا بنفش و حتی سیاه، آن دیگری از سفید تا قهوه‌ای و نارنجی.

بیابان دنیای غریبی است که اعماق آفریقا و بیقراری زندگی را به کنارهٔ دریا می‌آورد. شیوه‌های زندگی بیابانی کاملاً با زندگی کوهستانی متفاوت است. این بخش از مدیترانه در تضاد با بخش دیگر قرار دارد، و دائماً برموضع خود اصرار می‌ورزد. طبیعت راه را برای این دوگانگی، که حتی می‌توان عداوت مادرزادی برآن نام نهاد، هموار کرده است. ولی تاریخ اجزاء متفاوت را در هم آمیخته است، همان‌طور که دریا آب و نمک را در هم می‌آمیزد.

و آنگاه که انسان غربی گوش به کنسرت مدیترانه می‌دهد، نباید فقط صداهایی را که برای خود او آشناست بشنود؛ صداهای دیگری نیز به گوش او خواهد رسید که شاید تا به حال نشنیده باشد، و این نواها جداشدنی نیستند. طبیعت، تاریخ و خمیرمایهٔ حیات در شمال و جنوب دریا با هم فرق دارد و حتی موضع فرد که از شمال به جنوب بنگرد یا برعکس، نیز در این امر موثر است. در مسیر اروپا و شبه جزیره‌های آن دیواری از کوهها قد برافراشته‌اند. به سوی جنوب، با مستثنی کردن کوههای پردرخت شمال افریقا، بیابان قرار دارد، دریایی از تخته سنگها یا شن؛ و در پشت سر آن صحراست، گسترهٔ افریقای سیاه و ورای آن، بیابانهای آسیا. (...) ◄





«مدیترانه به واسطهٔ دریا و راههای زمینی، مشبک شده است... تمام این راههای زمینی سازندهٔ نظامی برای حرکت ماشینها شده است. به عقیدهٔ من این نظام، آخرین جزءِ ادراک ما از مدیترانه است، که به کاملترین مفهوم، نوعی حرکت فضایی است.» تصویرفوق، سنگ مرمر (متعلق به قرن اول قبل از میلاد) است که احتمالاً یادآور سکان گیر کشتی اولیس است و در ناحیهٔ اسپرلونگا (ایتالیا) از زیر آب بیرون آورده شده است. زیر آن نیز تصویر طنابهای یک کشتی مصری و نمایانگر جزئی از یک نقش نیم برجسته (متعلق به حدود نیمه‌های دوهزار سال دوم قبل از میلاد) است که در لوکسور به دست آمده است؛ سمت راست، فلوقه‌ای در حال پیشروی در نیل عصر حاضر.

آنان که در آستانهٔ بلوغ، یا بعد از آنکه به حد کافی
در بوتهٔ آزمایش قرار گرفتند، همواره نشانه‌های مشخصی
را دریافت می‌دارند که حتی در میان عظمت امواج یاد وطن محبوب را در
آنان زنده می‌کند.
آنگاه آنان یکراست به خانه باز می‌گردند بی‌آنکه
وقتی تلف کنند یا از راه منحرف شوند، مگر آنکه
چونان بیشتر موارد، راه خود را در مه گم کنند یا
به خیره ماندن در ستاره‌هایی که در دریا غوطه می‌خورند اصرار ورزند،
یا شادیهای اغواکنندهٔ خاصی آنان را از دریانوردی
در بهترین اوقات باز بدارد و این سبب شود که اینجا و آنجا
سرگردان بمانند یا حتی خطر کشتی شکستگی را به جان بخرند.

سن‌آگوستین
(۴۳۰ ــ ۳۵۴)

در نوشیدن شکوه کورینت
خواندن کتیبه‌های ویران
زیر پا گذاشتن تاکستانها و دریاها
نگاه کردن به ماهی دلخواهی که از قلاب می‌گریزد
برگهایی یافتم که در آن مزامیر خورشید
خاطرهٔ سرزمین زنده‌ای را به یاد می‌سپارد
که هیجان و شادی در آن موج می‌زند.

اودیسئوس الیتیس
(متولد ۱۹۱۱)

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی


Photo © Jerusalem Feature Service, Jerusalem

◄ اساساً آنچه به مدیترانه وحدت می‌بخشد آب و هوای آن است. آب و هوای مدیترانه بسیار خاص است، به نحوی که تغییرات آن از این سر دریا تا آن سر بسیار ناچیز می‌نماید، همین یکدستی آب و هوا به آن چشم‌اندازهای گوناگون و شیوه‌های متفاوت زندگی یکسانی اعطا می‌کند. زیرا این ویژگی نهایتاً مستقل از شرایط مادی محلی است، شرایطی که تحت‌تاثیر دوعامل خارجی قرار دارند، اقیانوس اطلس در غرب و وجود صحرا در شرق. هریک از این دوعامل عظیم به تناوب تاثیرات خود را برای غلبه بردریای منفعل برجا می‌گذارند، دریایی که به خاطر آب نیمه‌گرمی که دارد امکان اعمال این تاثیر را هم آسانتر می‌کند.

هر تابستان هوای خشک و سوزان صحرا تمام سطح دریا و بخش عمده‌ای از مناطق آن حوزه تا حوالی شمال را زیر پوشش خود می‌گیرد. همین عامل است که هوای شکوهمند مدیترانه، شعاعهای درخشان نور و آسمان پرستارهٔ شبهای مدیترانه، که در هیچ کجای دیگر نظیری برای آن نمی‌توان یافت، را می‌سازد. این آسمان تابستانی مدیترانه در دورهٔ کوتاهی که بادهای سنگین جنوبی وزیدن می‌گیرند، بادهایی که ماسه‌ها را از جای خود حرکت می‌دهند، گرفته و ابری می‌شود ــ باد خمسین یا باد سموم، که هوراس آن را «سربی تیره» صفت داده، خاکستری و سنگین چون سرب.

ظرف شش ماهی که دریای مدیترانه زیر سلطهٔ صحرا قرار دارد، بهشت جهانگردان به حساب می‌آید، با ورزشهای آبی، ساحلهای مملو از جمعیت و دریای آبی و آرامی که زیر نور خورشید درخششی چشمگیر دارد. ولی طی همین مدت است که حیوانات، گیاهان و زمین آفتاب سوخته چشم انتظار ریزش باران هستند، ریزش آبی که والاتمنترین هدیه به حساب می‌آید. از ماه آوریل تا سپتامبر، باد همیشگی شمال ــ شرق، باد تابستانی یونان، امنیت خاطر را می‌گیرد، و برای کورهٔ گدازان صحرا هیچ رطوبتی به ارمغان نمی‌آورد.

وقتی اقیانوس پا به میان می‌گذارد، بیابان راه می‌گشاید. در ماه اکتبر، هوای گرفتهٔ اقیانوسی، غرق در رطوبت، کم کم از غرب به شرق پیش می‌آید. بادها از هرچهار جهت به سوی آن هوا هجوم می‌آورد و آن را به سمت شرق می‌رانند. دریا تیره‌تر می‌شود، و رنگ خاکستری آن را در این فاصله می‌توان با دریای بالتیک مقایسه کرد، یا گاهی مدفون زیرگردی از کف سفید، به نظر می‌آید که با برف پوشیده شده است. (...)

مدیترانه، روی هم رفته، آب و هوای غریبی دارد، که برای زندگی نباتی منطقه بسیار مضر است. در زمستان ریزش باران بسیار شدید است، در این مدت رشد سبزیجات به علت سرما متوقف می‌ماند. وقتی نوبت روزهای گرم می‌رسد، هیچ آبی پیدا نمی‌شود. بنابراین اگر گیاهان مدیترانه‌ای معطرند و برگهای آنها به چربی آغشته است و ساقه‌های آنها را خار پوشانده، علت آن است که

نمای هوایی از هرودیون، دژی به یادگار مانده در جنوب بیت‌المقدس که به دست هرود (۴ ــ ۷۳ قبل از میلاد) ساخته شد. در پی عملیات حفاری، چهار برج بنا و بقایای قصری در محدودهٔ دیوارهای آن کشف شد.

این عوامل گیاهان را در برابر خشکی و گرمای بیش از حد هوا، هوایی که در آن فقط زنجره‌ها طاقت زنده ماندن دارند، محافظت کنند. و اگر محصول گندم در ناحیهٔ آندولسی زود به بار می‌آید ــ در ماه آوریل ــ دلیل آن این است که گندم تابع شرایط محیط است و سنبله‌های آن به سرعت می‌رسند.

زیبایی ظاهری خاصیت زمین شناسانه و آب و هوایی نامطلوب مدیترانه را پنهان می‌دارد. این زیبایی سبب می‌شود که به آسانی بتوان فراموش کرد مدیترانه بهشتی نبوده که به راحتی برای صرف خوشیهای انسان به او اعطا شده باشد. در اینجا همه چیز می‌باید حاضر و آماده می‌شد، آن هم غالباً با مشقتی بیش از سایر نقاط. خیشهای چوبی در این خاک پست و خرد شونده، تنها می‌توانست چند خراش بیندازد. اگر باران زیاد ببارد، خاک ترد، نشیبها را چون آب جاری می‌کند. کوهستانها جلوی حرکت را می‌گیرند و فضای زیادی را اشغال می‌کنند، به‌طوری که دشتها و کشتزارها عموماً چیزی جز باریکه یا مشتی زمین هموار نیستند، که ورای آنها شیبهای تند وجود دارد که صعود از آن برای انسان و نیز حیوان کاری بسیار مشکل است.

و آن دشتها که به هراندازه‌ای به چشم می‌خورد با مسیر رودخانه‌های پرپیچ و تاب تکه تکه می‌شدند. انسان مجبور بود برای حفاظت از دشتها بر باتلاقها غلبه کند، آنها را از شر رودخانه‌های مزاحم که در زمستان بیرحم مملو از آب می‌شوند در امان نگه دارد و مالاریا را ریشه کن کند. می‌باید پیش از آنکه دشتها برای کشاورزی آماده شوند، آب شور مزه تصفیه شود. در مرحلهٔ بعد آب تازه و خالص باید برای آبیاری به مناطق مورد نظر رسانده می‌شد. (...)

حتی امروزه نیز، در تمام سرزمینهای بالا دست مدیترانه ــ در ایتالیا، اسپانیا، پرووانس و یونان ــ مراسمی به انجام می‌رسد، که طی آن باورهای مسیحی و بقایای عقاید دوران کفر با کار همراه می‌شوند. اما خود چشم‌انداز مدیترانه، به همان اندازهٔ فولکولور، شاهدی است بر این شیوه‌های کهن زندگی. و چه شاهدی؛ چشم‌اندازی است شکننده که تماماً به دست انسان شکل گرفته است: زمینهای کوتاه و بلند و دیوارهای کوتاهی که همواره به بازسازی نیاز داشته‌اند. سنگهایی که پیش از جاگذاری و به هم پیوستن باید بار الاغ و قاطر می‌شد و از شیب تپه‌ها به بالا می‌رسید و خاکی که باید به کمک سبدها حمل و پای دیوارها کوت می‌شد. و باید به یاد داشت که در این شیبهای تند هیچ حیوانی نمی‌توانست تاب تحمل کشیدن گاری را داشته باشد؛ زیتون و انگور با دست چیده می‌شد و آدمها آنها را برپشت خود می‌گرفتند و از سربالاییها بالا می‌بردند.

در نتیجه امروز، این زمینی که زمانی کشاورزی برآن انجام می‌گرفت، به تدریج مهجور مانده است. زندگی بسیار دشوار ابست و درآمدها بسیار ناچیز. حتی تپه‌های مشهور توسکانی نیز به تدریج جنبه‌های شاخص خود را از دست می‌دهند؛ دیواره‌های کوتاه ناپدید می‌شوند؛ درختهای زیتون بیش از یکصدساله، یکی پس از دیگری، خشک می‌شوند؛ گندمی کاشته نمی‌شود؛ و نشیبهایی که طی قرون زیر کشت می‌رفته به چمن و چراگاه ــ یا به عبارت دیگر به نیستی ــ تبدیل می‌شوند.

منظره دیگری که به تدریج از پیش چشم ما محو می‌شود، ولی این محو شدن به تازگی آغاز شده است، مسئله کوچ است، پدیده‌ای بسیار قدیمی که در آن کوهستانها و دشتها و شهرهایی که برآنها استوار شده بودند با یکدیگر ارتباط می‌یافتند؛ کوچ منبع برخوردها و فایده بردنها بوده است.

در گذشته، حرکت گله‌های گوسفند و بز در حد فاصل چراگاههای تابستانی در مناطق شمالی و مرغزارهایی که در ماههای سرد زمستان پوشیده از علف و گیاه بود سبب می‌شد تا سیل گوسفندها و گوسفند چرانها میان کوههای جنوبی آلپ و لاکرو، بین آبروتزی و فلات آپولی، بین کاستیل شمالی و مرغزارهای واقع در حوزهٔ استرمادورا و مانش، جایی که دن‌کیشوت از آنجا برخاست، جاری باشد.

امروز نیز این کوچها ادامه دارد، البته در مقیاس بسیار کوچکتر از پیش. اما در بیشتر موارد با نقل و انتقال جاده‌ای یا با قطار جایگزین شده است. (...)

هر زندگی باید شرایط متعادل خود را بیابد. در غیراینصورت محکوم به زوال است، چنین امری در مورد زندگی در مدیترانه، که سخت و طاقت‌فرساست، صادق نیست. (...)

زندگی در مدیترانه سخت و اغلب ناپایدار است. در تحلیل نهایی باید گفت، توازن اغلب علیه انسان برهم می‌خورد، و او را به گذران یک زندگی ساده و آکنده از صرفه‌جویی ابدی محکوم می‌دارد. هر خوشگذرانی چند ساعته یا یک روزه، به بهای پرداخت پس‌انداز چند سال زندگی سخت به دست می‌آید. هیچ مورخ یا جهانگردی نباید تحت‌تاثیر کامیابیهای شهری و شهرهای قدیمی و زیبای مدیترانه‌ای قرار گیرد. گردآوری مال و منال از خاصیت شهرها است، در نتیجه باید آنها را مستثنی کرد؛ شهرها مواردی ممتاز هستند، به ویژه با در نظر داشتن این واقعیت که پیش از انقلاب صنعتی قریب ۸۰ تا ۹۰ درصدجمعیت در روستاها زندگی می‌کردند.

به‌طور کلی، زندگی در مدیترانه حول سه محور دور می‌زند ــ درخت زیتون، انگور و گندم. نکته‌ای که پی‌یرگورو جغرافیدان فرانسوی به طنز دربارهٔ آن چنین گفته است. «استخوان فراوان و گوشت بسیار اندک». (...)



Photo © Bibliothèque Nationale, Paris

ابن‌سینا (۱۰۳۷ ــ ۹۸۰) یکی از پرآوازه‌ترین چهره‌های علوم و فلسفه اسلامی است. تأثیر او در سراسر کشورهای اسلامی گسترش یافت و از طریق اسپانیای مسلمان، آندلس، به اروپا رسید و تا قرنها پابرجا ماند. تصویر خیالی ابن‌سینا در فوق از کتاب «تصاویر معتبر و زندگی مصور نام‌آوران یونانی، لاتینی و اسلامی» به قلم آندره تِوه (پاریس، ۱۵۸۱) برگرفته شده است.

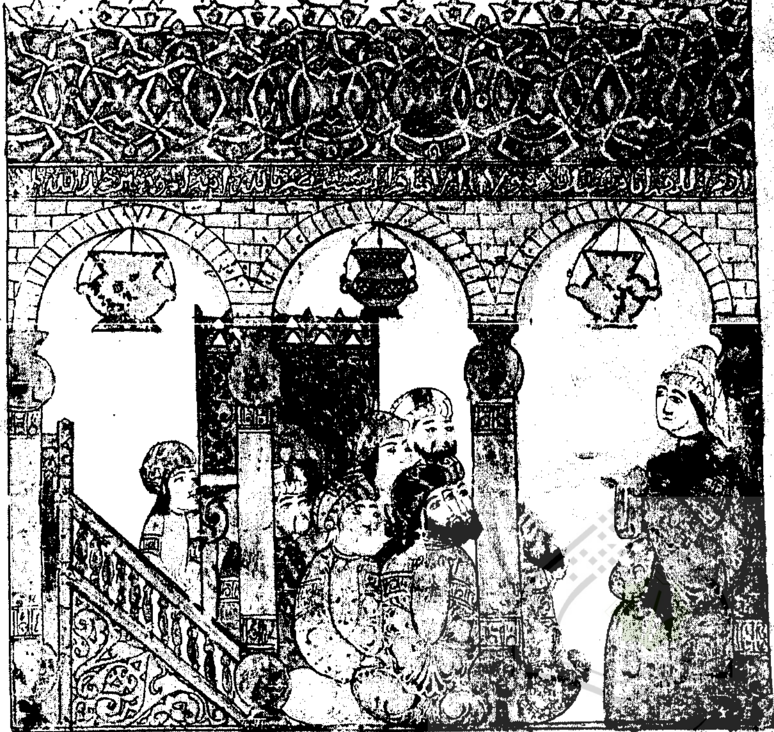


Photo © Bibliothèque Nationale, Paris

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

از میان این سه محصول، روغن زیتون و شراب (که به کشورهای خارج حوزه نیز صادر می‌شود) تقریباً همیشه محصولات موفقی بوده‌اند. تنها مشکل بر سر گندم است، و چه مشکلی! و مشکل گندم با خود مشکل نان را پیش می‌آورد که این یکی از اساسیترین مواد مصرفی زندگی است. نان از چه نوع گندمی پخته می‌شود؟ رنگ آن چگونه خواهد بود؟ چقدر وزن خواهد داشت؟ چون به هر حال در بعضی نقاط نان را به نرخ ثابتی، بی‌توجه به تفاوت وزن آن، به فروش می‌رسانند. شاید بتوان گفت که گندم و نان همیشه مایهٔ هلاکت مدیترانه بوده‌اند؛ آن دو عواملی تعیین کننده در تاریخ مدیترانه‌اند و یکی از بزرگترین دلمشغولیهای آن. وضع محصول چگونه است؟ این سؤال مهمی است که تقریباً در هر نامه‌ای که رد و بدل می‌شود، حتی در نامه‌های سیاستمداران به هم، و در تمام طول سال تکرار می‌گردد. (...)

مدیترانه به واسطهٔ دریا و راههای زمینی مشبک شده است، تا آنجا که شهرها ــ شهرکها، شهرهای نیمه بزرگ و شهرهای بزرگ ــ به یکدیگر متصل شده‌اند. و تمام این راههای زمینی سازندهٔ نظامی برای حرکت ماشینها شده است.

به عقیدهٔ من این نظام، آخرین جزءِ ادراک ما از مدیترانه است، که به کاملترین مفهوم، نوعی حرکت فضایی است. حرکت موهبت خود را به آن عواملی می‌افزاید که پایهٔ حیات مدیترانه‌ای را تشکیل می‌دهد و در موقعیت ویژه‌ای در اثر فضای مجاور، چه زمین و چه دریا، واقع می‌شود. اگر این حرکت سریعتر صورت بگیرد، موهبتهای آن نیز، هم از نظر تعداد بیشتر می‌شوند و هم نتایج ملموستری به بار می‌آورند. طی قرنها، توسکانی شاید زیباترین روستاهای جهان را در اختیار داشت. آیا این بدان سبب نیست که اهالی فلورانس گندم سیسیلی می‌خوردند و در نتیجه روستائیان توسکانی در امر پرورش شراب و زیتون تخصص پیدا کردند. در فاصله قرن چهاردهم تا شانزدهم میلادی، ونیز ثروتمندترین شهر ایتالیا، و شاید اروپا بود، بدون تردید هیچ شهری در مدیترانه از این نظر بر ونیز پیشی نمی‌گرفت. این شهر مرکز گرانقدرترین نظامهای ارتباطی عصر خود بود، نظامی که تمام دریای مدیترانه را زیر پوشش خود می‌گرفت؛ این شهر بزرگترین مشتری فلفل و ادویه‌جاتی بود که از کشورهای شرقی مدیترانه (لوان) یا حداقل از اقیانوس هند به بنادر تجاری کشورهای شرقی مدیترانه می‌رسید؛ از همه مهمتر اینکه این شهر بزرگترین جزءِ فروش این کالاهای قیمتی به غرب، و به ویژه به آلمان، بزرگترین بازار مصرف اروپا، به حساب می‌آمد. به عبارتی ونیز تجار آلمانی را در ساختمان بزرگی که به نام «Fondaco dei Tedeschi» گرد آورده بود، درست همان‌طور که تجار کشورهای اسلامی نیز خود ونیزی‌ها را در «فندق»های شهرهای شرقی مدیترانه گرد می‌آوردند. (...)

پس می‌توان دید که خط سیرهای مدیترانه‌ای، به خرج شهرها و تجّاری که روی این دریا به کسب و کار مشغول بودند، موفق شد به فضای حرکتی گسترش زیادی ببخشد. با این حال مارکوپولو، از اهالی مدیترانه، بود که وقتی به سال ۱۲۹۶ به ونیز بازگشت خبر وجود چین را در دوردستها به معاصران خود رساند. کاشف دیگر، کریستف کلمب، به سال ۱۴۹۲ امریکا را کشف کرد. تجار ایتالیایی بازارهای تجارتی شامپانی را در قرن سیزدهم زیر سلطه داشتند و دو قرن بعد بازارهای لیون را تحت نفوذ خود در آوردند، بازارهایی که زمانی تمام دارایی اروپا حول و

«مدیترانه ورای تقسیمات سیاسی فعلی خود شامل سه جامعهٔ فرهنگی است، سه تمدن عظیم و بارور، سه شیوهٔ عمدهٔ تفکر، اعتقاد، تغذیه و زندگی... در ابتدا غرب... یا شاید بهتر باشد بگوئیم دنیای رمی... جهان دوم سرزمین پهناور دیگری است، قلمرو اسلام که از مراکش آغاز می‌شود و تا آن سوی اقیانوس هند تا اندونزی و فیلیپین ادامه می‌یابد... تمدن سوم... جهان یونانی، جهان ارتدوکس است.» در تصویر فوق از چپ به راست، تصویری از یک مسجد برگرفته شده از کتاب «مقامات» اثر حریری (۱۱۲۲ ــ ۱۰۵۴)، یکی از اولین استادان صاحب سبک در ادبیات عرب. این تصویر از نسخهٔ عربی الواسطی متعلق به قرن دوازدهم اخذ شده است؛ قنطورس شیرون به آشیل اندرز می‌دهد؛ برگرفته شده عیناً از فرسکوی رمی از هرکولانیوم (حدود قرن اول قبل از میلاد)، که اینک در موزهٔ ملی، ناپل (ایتالیا) محفوظ است؛ مراسم ازدواج در کانا واقع در جلیله، نقاشی بیزانسی قرن چهاردهم در کلیسای سن نیکولاس اُرپ در سالونیکا (یونان).

دریا، دل‌انگیزی پائیزی، جزایر غرقه در آب، پرده‌ای شفاف از باران‌ریز که برهنگی ابدی یونان را در خود می‌پوشاند. با خود گفتم، خوشا به حال کسی که فرصت داشته پیش از مرگ بر دریای اژه کشتی براند...
در هیچ کجای دیگر نمی‌توان چنین آرام و ساده از واقعیت به رؤیا راه یافت. مرزها زیرپا گذاشته می‌شوند و تیرکهای کهنه‌ترین کشتیها خوشه‌های بادبانها را برمی‌افرازند. می‌شود گفت که اینجا در یونان معجزه ثمرهٔ حتمی نیاز است.
نیکوس کازانتزاکیس
(۱۸۸۳ ــ ۱۹۵۷)

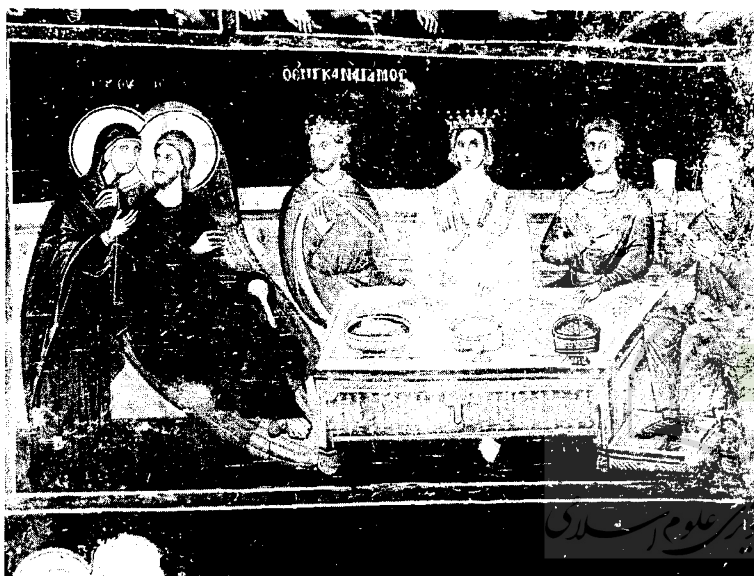
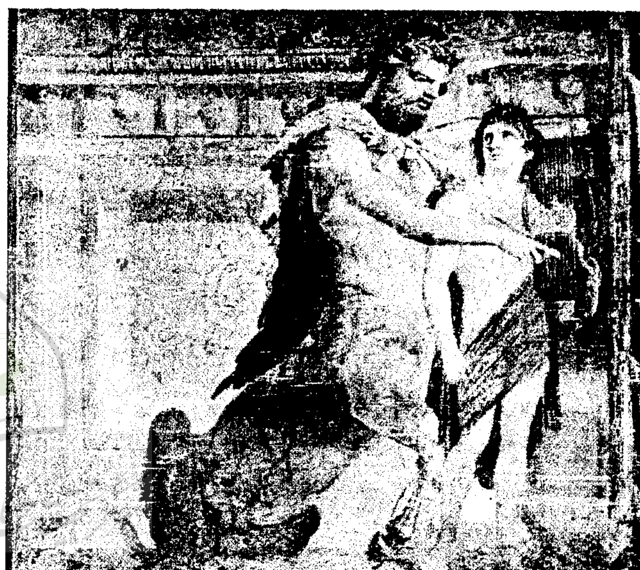


Photo © Artephot/Nimatallah, Paris



حوش آن دور می‌زد. (...)

به این ترتیب، به بیانی دقیق می‌توان گفت که پیرامون این مدیترانه یک مدیترانهٔ وسیعتری قرار گرفته و به منزلهٔ طنین‌انداز آن عمل می‌کند. صرفاً انعکاس حیات اقتصادی دریای مدیترانه نیست که تا دور دستها شنیده می‌شود؛ بلکه تمدنها و حرکتهای فرهنگی با تغییر رنگ و بوی آن نیز چنین تأثیری بر جا می‌گذارد. فلورانس مرکز خیزش رنسانس بود. هنرهای باروک که از رم و از اسپانیای پیروز سرچشمه می‌گرفت، در سراسر اروپا، و منجمله در کشورهای پروتستان مذهب شمال نیز، پا گرفت. به همین ترتیب، مساجد استانبول، به ویژه مسجد سلیمان، در کشورهای دور دستی چون ایران و هند هم مورد تقلید قرار گرفتند. (...)

امروزه هم می‌توانیم هم از نظر حسی و هم از نظر عینی به آن شکوه قدیمی دست بیابیم، البته اگر به سمت «کانال بزرگ» زیباترین راه عبور جهان برای کشتیها، برانیم یا در میدان سن‌مارکو، زیباترین میدان جهان بایستیم و نظاره کنیم. ولی آن شکوه تنها بدان سبب محتمل بود که سود معامله با اهالی ساکنان کشورهای دوردست بسیار چشمگیر می‌نمود. زیرا برای دستیابی به چنان شکوهی به فعالیتی بیش از بهره‌کشی ساده از ساکنان دهات اطراف و جنب‌وجوش چند بندر کوچک واقع در دریای آدریاتیک نیاز بود. این امر به گسترش تجارت با کشورهای دوردست و حضور نمایندگان کشورهای مدیترانه در سراسر جهان، حتی تا شرق دور، احتیاج داشت. وقتی در جشن «سنسا» که در «روز آسنسیون» بر پا می‌شود، فرمانروای ونیز، در برابر کلیسای سن‌نیکولو دی‌مندی‌کولی می‌ایستد و با دریا پیمان ازدواج می‌بندد، این کار صرفاً نمایشی عظیم و باشکوه نیست، زیرا او با این کار فی‌الواقع با مدیترانهٔ بزرگ، منبع زوال ناپذیر مال و منال ازدواج می‌کند.

زوال، بحران و مشکلات مدیترانه ناشی از شکستها، قصورها و بروز شکافهایی در نظام حمل و نقل دریایی است که از محیط و اطراف آن فراتر می‌رود و قرنهای متمادی موقعیت مدیترانه را شکل می‌داده است. سفر دریایی واسکودوگاما به سال ۱۴۹۸ اولین ضربه‌ای بود که سرنوشت بر پیکر مدیترانه وارد آورد. با این همه مدیترانه از این آزمایش سربلند بیرون آمد. در واقع زوال تا سال ۱۶۲۰ مجالی برای بروز پیدا نکرده بود، در این سال بود که انگلیسی‌ها و هلندی‌ها به مدیترانه راه گشودند و بازارهای دوردست آن را به تسخیر خود در آوردند. این شکافی بود که تا سالهای متمادی دوام پیدا کرد. آیا این یک واقعهٔ سرنوشت‌ساز بود؟ حتی بعدها، بعد از قرنها کسادی بازار، گشایش کانال سوئز هم نتوانست راهی به سوی آن کامیابیهای قدیمی باز گشاید، چه برسد به اینکه برتری قدیم را به مدیترانه باز گرداند، چون در آن ایام و سالهای پیشتر از آن انگلستان نفوذی مطلق بر سراسر جهان اعمال می‌کرد. تردیدی نبود که مدیترانه، که در قرن شانزدهم توسط خارجیها به تصرف در آمده بود، بار دیگر در اختیار کسانی قرار می‌گرفت که بر کرانه‌های آن زندگی می‌کردند.

مدیترانه، که تاریخ آن به شش تا ده‌هزار سال قبل باز می‌گردد، و در محیطی جابجا شده و بی‌تناسب که به اندازهٔ منابع انسانی‌اش گسترده است، قرار گرفته، محیطی که به نحو طاقت‌فرسایی از سوی باستان‌شناسان و مورخان مورد مطالعه واقع شده، بخشی از دانشی است که به هیچ سیاق منطقی نمی‌توان آن را در حد یک نشانهٔ ترکیبی (سنتز) تنزل داد. گذشتهٔ مدیترانه در بردارندهٔ تجمعی از لایه‌هاست به ضخامت تاریخ چین.

بیائید ابتدا نگاهی بیندازیم به تمدنهای آن
اگر قرار باشد تصویری اجمالی به خواننده بدهیم، ابتدا باید یک خط سیر انتخاب کنیم. و بهترین راه برای این کار این است که نگاهی دقیق به مدیترانهٔ امروز بیندازیم، بکوشیم عامل اساسی حیات آن را معین کنیم و جنبهٔ عینی آن را در زمان حال بیابیم، جنبه‌ای که احتمالاً ◄

مطلق‌گرایی تاریخی، علیرغم پیروزیهای خود، همواره علیه اقتضای شکست‌ناپذیر سرشت انسانی قد برافراشته است، سرشتی که مدیترانه، جایی که شعور همزاد روشنایی خیره کننده است، راز آن را در سینه حفظ می‌کند.

آلبر کامو
(۱۹۶۰ ــ ۱۹۱۳)

«در فاصلهٔ قرن چهاردهم تا شانزدهم میلادی، ونیز ثروتمندترین شهر ایتالیا، و شاید اروپا بود. این شهر مرکز گرانقدرترین نظامهای ارتباطی عصر خود بود، نظامی که تمام دریای مدیترانه را زیر پوشش خود می‌گرفت؛ این شهر بزرگترین مشتری فلفل و ادویه‌جاتی بود که از کشورهای شرق مدیترانه (لوان) می‌رسید و از همه مهمتر اینکه بزرگترین جزء فروش این کالاهای قیمتی به غرب به حساب می‌آمد...» در زیر بخشی از نقشهٔ شهر ونیز اثر جاکوپو دو بارباری (۱۵۱۶ ــ ۱۴۴۰) آمده است. در سمت چپ پیشزمینه جزیرهٔ جیودکا و در سمت راست جزیرهٔ سن‌جورجو نشان داده شده است. در پسزمینهٔ نقشه، قصر فرمانروای ونیز و قبه‌های عمارات مجلل سن‌مارک دیده می‌شود.


Photo © Correr Museum, Venice

در گذشته دارای شکل دیگری بود. این عامل بسیار مهم را می‌توان به سرعت و به روشنی تعیین کرد. مدیترانه ورای تقسیمات سیاسی فعلی خود شامل سه جامعهٔ فرهنگی است، سه تمدن عظیم و بارور، سه شیوهٔ عمدهٔ تفکر، اعتقاد، تغذیه و زندگی. (...)

در واقع، تنها نیروهای پابرجایی که می‌توان بدون هیچ قطع و وصلی آن را در طول تاریخ متغیر مدیترانه تعقیب کرد، همین تمدنها هستند.

پس، به سه تمدن می‌رسیم. در ابتدا نگاهی به غرب، شاید بهتر باشد بگوئیم به مسیحیت، می‌اندازیم، واژه‌ای کهنه و مملو از مفاهیم یا شاید بهتر آن بود که می‌گفتیم دنیای رومی، چون رم مرکز عالم قدیم لاتین و بعدها عالم کاتولیک بوده است، که به اندازهٔ قلمرو پروتستان گسترش یافته، تا اقیانوس اطلس و دریای شمال، تا راین و دانوب، پهلو به پهلوی مناطقی که نهضت ضد اصلاح دین کلیساهای به سبک باروک خود را، همچون بسیاری نگهبانان مراقب، بنا نهاد؛ و تا مناطقی فراتر از اقیانوس اطلس پیش رفت، گویی سرنوشت رم امروز این بوده است که در حوزهٔ خود قلمرو امپراطوری چارلز پنجم را محافظت کند، که در آن هرگز آفتاب غروب نمی‌کرد.

جهان دوم سرزمین پهناور دیگری است، قلمرو اسلام، که از مراکش آغاز می‌شود و تا آن سوی اقیانوس هند تا ملانزی، اندونزی و فیلیپین، که در قرن سیزدهم میلادی تقریباً به دست اسلام فتح شد و ساکنان آن مسلمان شدند، ادامه می‌یابد.

تمدن سوم، بلافاصله در عصر ما قابل تشخیص نیست. آن جهان، جهان یونانی، جهان ارتدوکس است. قلمرو آن، حداقل، شامل تمامی آن مناطقی است که به نام شبه جزیرهٔ بالکان می‌شناسیم با رومانی، بلغارستان، تقریباً تمام یوگسلاوی و خود یونان، یعنی جایی که عوامل بسیاری ما را از گذشته آگاه می‌کند، گویی که دوران باستانی یونان بار دیگر جانی تازه گرفته است؛ و البته این جهان سراسر سرزمین پهناور روسیهٔ ارتدوکس را نیز در بر می‌گیرد. اما مرکز آن کجاست؟ شاید بگوئید قسطنطنیه، که رم ثانی است و سانتاصوفیا که خود مرکز آن است. ولی از سال ۱۴۵۳ به این سو قسطنطنیه شده است استانبول پایتخت ترکیه.

ترکیهٔ اسلامی، که در زمان شکوه خود، تمامی شبه جزیره بالکان را در اختیار داشت، سهم خود را در اروپا حفظ کرد. و بدون شک مرکز دیگری هم بود که نقش خاص خود را ایفا می‌کرد ــ مسکو، رم ثالث. ولی مسکو هم نخواست مرکز ارتدوکس باقی بماند. احتمالاً می‌توان ادعا کرد که امروز جهان ارتدوکس یتیم مانده است.

تعقیب خط سیر تمدنها بهترین راهنمای خوانندگان است. آنها به بررسی قرون می‌پردازند، و بر موضع خود باقی می‌مانند. اگر از تاریخ این منطقه فیلمی هم ساخته شود، این خط سیر همچنان بر سر موضع خود استوار می‌ماند.

این عدم تحرک، تمدنها را در گذشته‌ای بس دورتر از آنچه در وهلهٔ اول به نظر می‌رسد جای می‌دهند، و سالهایی که بر آنها گذشته به جزئی ذاتی در ماهیت آنها بدل می‌شود. تاریخ رم با مسیحیت شروع نشد. آنچه تمدن اسلام نامیده می‌شود، یکباره در قرن هفتم هجری آغاز نگردید. نقطهٔ آغاز عصر ارتدوکس نیز برپایی قسطنطنیه به سال ۳۳۰ میلادی نبود. زیرا هر تمدنی ماهیتاً مداوم

بقیه در صفحه ۴۷

است، و وقتی صورت دیگری می‌پذیرد، حتی اگر این تغییر صورت تغییری عظیم به اندازه پذیرش یک مذهب جدید باشد، ارزشهایی که از زمان قدیم در آنها باقی مانده است همچنان جزئی از آن هستند؛ این ارزشها به بقای خود ادامه می‌دهند، و ذات آن را می‌سازند.

برای مثال تمدن یونان را در نظر می‌گیریم. این تمدن حدود قرن هشتم پیش از میلاد به عرصه ظهور رسید و رشد کرد، بعد از غارتها و تهاجمات فراوان، یونان به حضیض تاریخ سقوط کرد. امروزه هنوز زنده است. حداقل سه هزار سال است که زنده است. چه اندازه رویدادهای ناگوار، فجایع و بلایا در این سفر طولانی به چشم دیده است! یونان و جهان یونانی به دست لژیونهای رم سقوط کرد. ولی هنگامی که کنستانتین به سال ۳۳۰ میلادی شهر قسطنطنیه را بنا نهاد، یونانیان شکست خورده از دوران طولانیِ انقیاد خود و زندانی که چهار یا پنج قرن در آن به سر برده بودند سربلند کردند. این رخداد نقطهٔ آغاز ظهور امپراطوری مسیحی بود که عظمت آن با «امپراطوری روم» قابل مقایسه بود. و آنگاه که به سال ۳۹۵ امپراطوری روم دو نیمه شد، «بخش شرقی» که بعدها امپراطوری یونانی بیزانس نام گرفت و «بخش غربی» که بعدها زیر فشار ضربات شدید بربرها سقوط کرد، یونان با تمام قدرت خود بار دیگر اعلام وجود کرد. یونان با استفاده از چنین انگیزه‌هایی توانست حدود هزار سال به بقای خود ادامه دهد. تا اینکه به سال ۱۴۵۳ از ترکها شکست خورد، و یکبار دیگر اینطور به نظر رسید که همه چیز به زیر سؤال رفته است. ولی در قرن نوزدهم و طی یک جنگ صلیبی تمام عیار، ساکنان مسیحی کشورهای بالکان، به کمک مردم ارتدوکس روسیه و کشورهای اروپایی، یکی پس از دیگری رهایی یافتند.

هر آنچه دربارهٔ جهان ارتدوکس گفته شد، با حفظ اختلافات خاص خود، در مورد هر دو جهان دیگر — روم و مکه — نیز صحیح است. برمبنای نظری، در مورد رم نقطهٔ آغاز تولد عیسی مسیح است. در مورد اسلام، نقطهٔ آغاز هجرت حضرت محمد (ص) از مکه به مدینه است، که در روز ۱۶ ژوئیه سال ۶۲۲ رخ داد. ولی حقیقتاً جهان غرب امتداد دنیای لاتین است، زبان، روحیه، قانون و سایر تجلیات مدنی آن از دنیای لاتین سرچشمه می‌گیرد. وگرچه اسلام در واقع اساساً در عربستان ریشه گرفت، که سرزمینی بیابانی بود که امر تجارت آن به کمک کاروانهای بزرگ انجام می‌گرفت و تاریخ پرسابقه‌ای را با خود داشت، ولی اسلام ورای همهٔ کشورهایی بود که به آسانی به دست سربازان اسب و شترسوار عرب — نظیر سوریه، مصر، ایران و شمال افریقا — به تصرف درآمد. اسلام وارث اصلی خاورمیانه و فرهنگ، اقتصاد و علومی بود که پیشتر از آن وجود داشت. مرکز اسلام در محدوده‌ای بین مکه و مصر، دمشق و بغداد محصور است. غالباً گفته می‌شود که اسلام مترادف بیابان است — چه تصویر زیبایی. ولی ضمناً باید گفته شود که اسلام مترادف با خاورمیانه هم هست. این بدان معنی است که اسلام ضمناً وارث تاریخ گرانقدر بازگو نشدهٔ آن هم هست.

■

فرنان برودل، مورخ فرانسوی، پروفسور افتخاری کُلژ دوفرانس و عضو آکادمی فرانسه. او مدیر موسسهٔ «مرکز علوم انسانی»، در پاریس، بود و از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۲ به عنوان مدیر «اکول پراتیک دزاوت اتود» انجام وظیفه می‌کرد. اولین کار بزرگ او تحت عنوان «مدیترانه و دنیای آن در عصر فیلیپ دوم» نقش مهمی در ظهور مکتب جدیدی در تاریخشناسی ایفا کرد. او به سال ۱۹۷۹ اثر سه جلدی خود را منتشر کرد، «تمدن و سرمایه‌داری از قرن پانزدهم تا قرن هیجدهم». مطالعات او پیرامون تاریخ فرانسه تحت عنوان «ماهیت فرانسه» امسال (۱۹۸۶) در پاریس منتشر خواهد شد. مقالهٔ حاضر از کتاب «مدیترانه، محیط و تاریخ» او استخراج شده که در سال ۱۹۸۵ در پاریس انتشار یافت. چاپ اول این کتاب به سال ۱۹۷۷ منتشر شده بود.

طی چاپ این مجله در نهایت تأسف اطلاع یافتیم که فرنان برودل شب بیست و هشتم نوامبر ۱۹۸۵ در پاریس چشم از جهان فرو بست.

برای اشتراک، سفارش و خریداری انتشارات یونسکو می‌توانید به مؤسسات ذیل و یا کتابخانه کمیسیون ملی یونسکو در ایران مراجعه فرمایید

AUSTRALIA. Hunter Publications, 58A Gipps Street, Collingwood Victoria 3066; Publications: Educational Supplies Pty. Ltd. P.O. Box 33, Brookvale, 2100, NSW. Periodicals: Dominie Pty. Subscriptions Dept., P.O. Box 33, Brookvale 2100, NSW. Sub-agent: United Nations Association of Australia, P.O. Box 175, 5th floor, Ana House, 28 Elizabeth Street, Melbourne Victoria 3000. **AUSTRIA.** Buchhandlung Gerold and Co., Graben 31, A-1011, Vienna. **BAHAMAS.** Nassau Stationers Ltd., P.O. Box N-3138, Nassau. **BANGLADESH.** Bangladesh Books International Ltd., Ittefaq Building, 1, R.K. Mission Rd., Hatkhola, Dacca 3. – **BARBADOS.** University of the West Indies Bookshop, Cave Hill Campus, P.O. Box 64, Bridgetown. **BELGIUM.** "Unesco Courier" Dutch edition only: N.V. Handelmaatschappij Keesing. Keesinglaan 2-18, 2100 Deurne-Antwerpen. French edition and general Unesco publications agent: Jean de Lannoy, 202, avenue du Roi, 1060 Brussels, CCP 000-0070823-13. **BOTSWANA.** Botswana Book Centre, P.O. Box 91, Gaborone. **BURMA.** Trade Corporation No. 9, 550-552 Merchant Street, Rangoon. **CANADA.** Renouf Publishing Co. Ltd., 2182 St. Catherine Street West, Montreal, Que. H3H 1M7. **CHINA.** China National Publications Import and Export Corporation, P.O. Box 88, Beijing. **CYPRUS.** "MAM", Archbishop Makarios 3rd Avenue, P.O. Box 1722, Nicosia. **CZECHOSLOVAKIA.** – S.N.T.L., Spalena 51-113 02, Prague 1; Ve Smeckach 30, P.O.B. 790 - 111 - 27 Prague 1 (Permanent display); Zahranicni literatura, 11 Soukenicka, Prague 1. For Slovakia only: Alfa Verlag. – Publishers, Hurbanovo nam. 6,893 31 Bratislava – CSSR. **DENMARK.** Munksgaard Export-OG Tidsskriftservice 35 Norre Sogade, DK-1970 Kobenhavn K. **EGYPT (ARAB REPUBLIC OF).** National Centre for Unesco Publications, No. 1 Talaat Harb Street, Cairo. **ETHIOPIA.** National Agency for Unesco, P.O. Box 2996, Addis Ababa. **FINLAND.** Akateeminen Kirjakauppa, Keskuskatu 1, SF-00100 Helsinki 10; Suomalainen Kirjakauppa Oy, Koivuvaarankuja 2, 01640 Vantaa 64. **FRANCE.** Librairie de l'Unesco, 7, place de Fontenoy, 75700 Paris, C.C.P. 12598-48. **GERMAN DEMOCRATIC REP.** Buchhaus Leipzig, Postfach 140, 710 Leipzig or from Internationalen Buchhandlungen in the G.D.R. **FED. REP. OF GERMANY.** For the Unesco Courier (German, English, French and Spanish editions): Mr. H. Baum, Deutscher Unesco-Kurier Vertrieb, Basaltstrasse 57, D 5300 Bonn 3. For other Unesco publications: Karger Verlag, Germering/München. For scientific maps only: Geo Center, Postfach 800830, Stuttgart 80. **GHANA.** Presbyterian Bookshop Depot Ltd., P.O. Box 195, Accra; Ghana Book Suppliers Ltd., P.O. Box 7869, Accra; The University Bookshop of Ghana, Accra; The University Bookshop of Cape Coast; The University Bookshop of Legon, P.O. Box 1, Legon. **GREAT BRITAIN.** See United Kingdom. **HONG KONG.** Federal Publications (HK) Ltd., 5A Evergreen Industrial Mansion, 12 Yip Fat Street, Aberdeen. Swindon Book Co., 13-15, Lock Road, Kowloon. Hong Kong Government Information Services, Publication Centre, Baskerville House, 22 Ice Street. **HUNGARY.** Kultura-Bushimport - ABT, P.O.B. 149 - H-1389, Budapest 62. **ICELAND.** Snaebjörn Jonsson & Co., H.F., Hafnarstraeti 9, Reykjavik. **INDIA.** Orient Longman Ltd., Kamani Marg, Ballard Estate, Bombay 400038; 17 Chittaranjan Avenue, Calcutta 13; 36a, Anna Salai, Mount Road, Madras 2; 5-9-41/1 Bashir Bagh, Hyderabad 500001 (AP); 80/1 Mahatma Gandhi Road, Bangalore-560001; 3-5-820 Hyderguda, Hyderabad-500001. Sub-Depots: Oxford Book & Stationery Co. 17 Park Street, Calcutta 70016; Scindia House, New Delhi; Publication Unit, Ministry of Education and Culture, Ex. AFO Hutments, Dr. Rajendra Prasad Road, New Delhi 110001. **INDONESIA.** Bhratara Publishers and Booksellers, 29 Jl. Oto Iskandardinata III, Jakarta; Indira P.T., Jl Dr Sam Ratulangie 37, Jakarta Pusat. **IRAN.** Kharazmie Publishing and Distribution Co., 28, Vessal Shirazi Street, Enghélab Avenue. P.O. Box 314/1486, Teheran; Iranian Nat. Comm. for Unesco. 1188 Enghlab Av., Rostam Give Building, Zip Code 13158, P.O. Box 11365-4498, Teheran. **IRAQ.** McKenzie's Bookshop, Al Rashid Street, Baghdad. **IRELAND.** The Educational Company of Ireland Ltd, Ballymount Road, Walkinstown, Dublin 12. **ISRAEL.** A.B.C. Bookstore Ltd., P.O. Box 1283, 71 Allenby Road, Tel Aviv 61000. **ITALY.** Licosa (Libreria Commissionaria Sansoni, S.p.A.) Via Lamarmora 45, Casella Postale 552, 50121 Florence. **JAMAICA.** Sangster's Book Stores Ltd., P.O. Box 366, 101 Water Lane, Kingston. University of the West Indies Bookshop, Mona, Kingston. **JAPAN.** Eastern Book Service Inc., 37-3 Hongo 3-chome Bunkyo-ku Tokyo 113. **KENYA.** East African Publishing House, P.O. Box 30571, Nairobi; Africa Book Services Ltd., Quran House, Mfangano Street, P.O. Box 45245, Nairobi. **KOREA.** Korean National Commission for Unesco, P.O. Box Central 64, Seoul. **KUWAIT.** The Kuwait Bookshop Co., Ltd, POB 2942, Kuwait; for the Unesco Courier; Farafalla Press Agency, P.O. Box SAFA 4541, Kuwait. **LESOTHO.** Mazenod Book Centre, P.O. Mazenod. Lesotho, Southern Africa. **LIBERIA.** Code and Yancy Bookshops Ltd., P.O. Box 286, Monrovia. **LIECHTENSTEIN** : Eurocan Trust Reg. P.O.B. 5 - 9494 Schaan. **LIBYA.** Agency for Development of Publication & Distribution, P.O. Box 34-35, Tripoli. **LUXEMBOURG.** Librairie Paul Bruck, 22, Grande-Rue, Luxembourg. **MALAWI.** Malawi Book Service, Head Office, P.O. Box 30044 Chichiri, Blantyre 3. **MALAYSIA.** University of Malaya Cooperative Bookshop, Kuala Lumpur 22-11. **MALTA.** Sapienzas, 26 Republic Street, Valletta. **MAURITIUS.** Nalanda Company Ltd., 30, Bourbon Street, Port-Louis. **MONACO.** British Library, 30 bd. des Moulins, Monte-Carlo. **NEPAL.** Sajha Prakashan Polchowk, Kathmandu. **NETHERLANDS.** KEESING BOEKEN B.V., Joan Muyskenweg, 22, Postbus 1118, 1000 BC Amsterdam. **NETHERLANDS ANTILLES.** Van Dorp-Eddine N.V., P.O. Box 200, Willemstad, Curaçao. N.A. **NEW ZEALAND.** Government Printing Office, Government Bookshops at: Rutland Street, P.O. Box 5344, Auckland; 130, Oxford Terrace. P.O. Box 1721 Christchurch; Alma Street, P.O. Box 857 Hamilton; Princes Street, P.O. Box 1104, Dunedin, Mulgrave Street, Private Bag, Wellington. **NIGERIA.** The University Bookshop of Ife; The University Bookshop of Ibadan, P.O. 286; The University Bookshop of Nsukka; The University Bookshop of Lagos; The Ahmadu Bello University Bookshop of Zaria. **NORWAY.** Johan Grundt Tanum, P.O.B. 1177 Sentrum - Oslo 1, Narvesen A/S; Subscription and Trade Book Service. P.O.B. 6125 Etterstad, Oslo 6; Universitets Bokhandelen, Universitetssentret, Postboks 307 Blindern, Oslo 3. **PAKISTAN.** Mirza Book Agency, 65 Shahrah Quaid-i-azam, P.O. Box No. 729, Lahore 3; Unesco Publications Centre, Regional Office for Book development in Asia and the Pacific, 39 Delhi Housing Society, P.O. Box 8950, Karachi 29. **PHILIPPINES.** National Book Store, Inc. 701, Rizal Avenue, Manila D-404. **POLAND.** Orpan-Import, Palac Kultury I Nauki, Warsaw; Ars Polona-Ruch, Krakowskie Przedmiescie No. 7.00-068 WARSAW. **PORTUGAL.** Dias & Andrade Ltda. Livraria Portugal, rua do Carmo 70, Lisbon. **SEYCHELLES.** National Bookshop, P.O. Box 48, Mahé; New Service Ltd., Kingsgate House, P.O. Box 131, Mahé. **SIERRA LEONE.** Fourah Bay, Njala University and Sierra Leone Diocesan Bookshops, Freetown. **SINGAPORE.** Federal Publications [illegible] Pte Ltd. Times Jurong, 2 Jurong Port Road, Singapore 2261. **SOMALI DEMOCRATIC REPUBLIC.** Modern Book Shop and General, P.O. Box 951, Mogadiscio. **SOUTH AFRICA.** For the Unesco Courier (single copies) only: Central News agency, P.O. Box 1033, Johannesburg. **SRI LANKA.** Lake House Bookshop, 100 Sir Chittampalam Gardiner Mawata P.O.B. 244 Colombo 2. **SUDAN.** Al Bashir Bookshop, P.O. Box 1118, Khartoum. **SWEDEN.** All publications A/B C.E. Fritzes Kungl, Hovbokhandel, Regeringsgatan 12, Box 16356. 10327 Stockholm 16. For the Unesco Courier: Svenska FN Förbundet, Skolgrand 2, Box 150 50 S- 104 65, Stockholm; Wennergren-Williams, Box 30004-S-104, 25 Stockholm; Esselte Tidskriftscentralen, Gamla Brogatan 26, Box 62 - 101 20 Stockholm. **SWITZERLAND.** All publications: Europa Verlag. 5 Rämistrasse. Zurich. Librairie Payot, rue Grenus 6, 1211, Geneva 11, C.C.P. 12-236. Librairies Payot also in Lausanne, Basle, Berne, Vevey, Montreux, Neuchâtel and Zurich. **TANZANIA.** Dares Salaam Bookshop, P.O.B. 9030 Dar-es-Salaam. **THAILAND.** Nibondh and Co. Ltd., 40-42 Charoen Krung Road, Siyaeg Phaya Sri, P.O. Box 402; Bangkok: Suksapan Panit, Mansion 9, Rajdamnern Avenue, Bangkok; Suksit Siam Company, 1715 Rama IV Road, Bangkok. **TRINIDAD AND TOBAGO.** National Commission for Unesco, 18 Alexandra Street, St. Clair, Trinidad, W.I. **TURKEY.** Haset Kitapevi A.S., Istiklâl Caddesi, N° 469, Posta Kutusu 219, Beyoglu, Istambul. **UGANDA.** Uganda Bookshop, P.O. Box 7145, Kampala. **UNITED KINGDOM.** H.M. Stationery Office, H.M.S.O., P.O. Box 276, London, SW8 5DT, and Govt. Bookshops in London Edinburgh, Belfast, Manchester, Birmingham, Bristol; for scientific maps only: McCarta Ltd., 122 King's Cross Road, London WC 1X 9 DS. **UNITED STATES.** Unipub, 205 East 42nd Street, New York, N.Y. 10017. Orders for books & Periodicals: P.O. Box 1222, Ann Arbor, MI 48106. **U.S.S.R.** Mezhdunarodnaya Kniga, Moscow, 121200. **YEMEN.** 14th October Corporation, P.O. Box 4227, Aden. **YUGOSLAVIA.** Mladost, Ilica 30/11, Zagreb; Cankarjeva Zalozba, Zopitarjeva 2, Lubljana; Nolit, Terazije 27/11, Belgrade. **ZAMBIA.** National Educational Distribution Co. of Zambia Ltd., P.O. Box 2664 Lusaka. **ZIMBABWE.** Textbook Sales (PVT) Ltd., 67 Union Avenue, Harare.